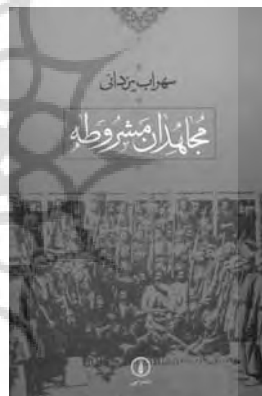


# روایت مقاومت

• مسعود عرفانیان



■ مجاهدان مشروطه  
■ سهراب یزدانی  
■ تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۸، تعداد صفحات: ۳۴۲

## مقدمه

انقلاب مشروطه‌ی ایران یا به گفته‌ی برخی دیگر جنبش مشروطه‌ی ایران، پس از گذشت ۱۰۴ سال خورشیدی از امضای فرمان آن توسط مظفرالدین شاه قاجار، بدون شک از مهم‌ترین و پرفراز و نشیب‌ترین رویدادهای معاصر تاریخ ایران است.

علل و زمینه‌های پیدایش مشروطه، تاریخ و روند مبارزه برای دست‌یابی به خواسته‌های طرح شده در آن انقلاب، قشرهای شرکت کننده در انقلاب، تکن‌نگاری درباره‌ی موافقان و مخالفان مشروطه، ادبیات آن دوران، روزنامه‌نگاری و روزنامه‌نگاران آن زمان و ده‌ها موضوع در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، از موضوع‌هایی است که در این یکصد و چهار سالی که از آن انقلاب می‌گذرد نگاه‌های پژوهشگران را به خود جلب نموده و موضوع پژوهش‌های آنان قرار گرفته است.

در همین چهار سال گذشته - سال ۱۳۸۵ - یکصدمین سال این رویداد مهم و تأثیرگذار برگزار شد و برای بزرگداشت آن انقلاب و یاد و نام شرکت‌کنندگان در آن که برای دگرگونی‌های بنیادی و برقراری آزادی و دموکراسی مبارزه نمودند - و بسیاری از آنان با گذشتن از جان خویش تاوان آزادیخواهی خود را پرداختند - همایش‌های گوناگونی در تهران و دیگر شهرهای کشور برگزار شد. روزنامه‌ها و مجله‌ها دست به انتشار ویژه‌نامه‌هایی زدند و بسیاری از نهادهای فرهنگی و سیاسی کشور - چه دولتی و چه غیر دولتی با برگزاری نشست‌هایی به بررسی ابعاد گوناگون مشروطه پرداختند و صد البته که فقط تعداد اندکی از گفته‌ها و نوشته‌ها در این باره از منظر علمی و تاریخی قابل توجه و اعتنا بود.

اما تازگی برخی از عنوان‌های مقاله‌ها و کتاب‌های نوشته شده پیرامون جنبه‌های مختلف انقلاب مشروطه، نشانگر این مسئله است که هنوز جا برای پژوهش‌های نو درباره‌ی مشروطه از زاویه‌ی دیدگاه‌های گوناگون وجود دارد و به عبارتی دیگر هنوز هم می‌توان سخنان نو و متفاوت با آنچه که پیشتر گفته شده درباره‌ی انقلاب مشروطه بر زبان جاری ساخت. و این موضوع فقط محدود به یکصدمین سالگرد آن انقلاب نمی‌شود و می‌توان همواره با جستجوگری، ذهنی نقاد و پرسشگر و از زاویه‌ی دیدی نوتر به این موضوع پرداخت. کاری که سهراب یزدانی در این کتاب و دیگر آثار خود پیرامون انقلاب مشروطیت ایران به آن دست زده است.<sup>۱</sup>

## نویسنده‌ی کتاب با استفاده از مآخذ و منابع دست اول و به ویژه اسناد موجود در بایگانی‌ها و آرشیوهای سازمان‌های مختلف کشور و پاره‌ای اسناد چاپ شده در خارج از ایران و روزنامه‌های وقت بر غنای اثر خود افزوده است

### معرفی کتاب

مجاهدان مشروطه، همانگونه که از نام آن پیداست، درباره‌ی آن گروه از آزادیخواهان است که به عنوان بازوی نظامی مشروطه طلبان، جان بر کف پای به میدان نبرد گذاردند. آنان به همراه دیگر سازماندندگان انقلاب رو در روی نیروهای دولتی، حاکمان ولایت‌ها و شهرها و سردمداران مستبد و خودرأی، نیروهای سرکوبگر و دیگر دشمنان آزادی و استقلال ایران و ایرانی - به ویژه روسیان دژخو، که حافظه‌ی تاریخی مردم ایران، به ویژه آذربایجانی‌های دلیر، هرگز جنایات آنان در آن دوران را فراموش نخواهند کرد - ایستادند.

کتاب در ده فصل تدوین شده و نویسنده در پیش‌گفتاری سه صفحه‌ای، به چگونگی شیوه‌ی پژوهش خود پیرامون این پدیده پرداخته و دلایل خویش در بررسی جوانب کار را گوشزد نموده است.

کتاب به نوشته‌ی نویسنده‌ی آن «پژوهشی تاریخی است» که با محور قرار دادن مجاهدان و نقش کلیدی آنان در انقلاب مشروطه، به روند تشکل مجاهدان و یکی از کانون‌های اصلی آنان یعنی شهر تبریز که به تعبیر نویسنده «کامل‌ترین صحنه‌ی اجتماعی برای بررسی پدیده‌ی مجاهدان مشروطه» است می‌پردازد. (ص ۱۰، پیش‌گفتار) در کنار آن بررسی پدیده‌ی لوطیان در تبریز که به عنوان «ستون فقرات مجاهدان تبریز» دانسته شده‌اند (همانجا) و نیز نقش دیگر سازمان‌ها، مانند «فرقه‌ی اجتماعیون عامیون» و بختیاری‌ها - که آنان نیز سهم بسزایی در انقلاب مشروطه داشته‌اند - انجام گرفته است. اما توجه اصلی نویسنده بر روی جنبه‌ی اجتماعی مجاهدان است و نه جنبه‌های نظامی آنان.

در نخستین فصل کتاب، «تبریز پیش از مشروطیت» نویسنده در اندکی بیش از ۲۰ صفحه به جایگاه شهر تبریز و اهمیت آن به عنوان شهری ولیعهدنشین در دوران قاجاریه اشاره کرده و با استفاده از چندین مآخذ فارسی و غیرفارسی، به پدیده‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و طبیعی این شهر، بسیار فشرده پرداخته است. روند رشد اقتصادی و نزول آن از میانه‌های سده‌ی سیزدهم هجری به این سو، فعالیت‌های تجاری و بازرگانی، صنایع این شهر مانند قالی‌بافی، شکل‌گیری قشر روشنفکران در این شهر و دل‌بستگی آنان به تجده، اشاره به چند شخصیت تأثیرگذار در رویدادهای آینده‌ی این شهر و نیز پدیده‌ی لوطیان در شهر تبریز از مطالبی است که نویسنده به آن‌ها اشاره کرده است. هدف از طرح بحث پیرامون لوطیان به دلیل اهمیتی است که این قشر در روند شکل‌گیری پدیده‌ی مجاهدان داشته و رفتارهای آنان در دوره‌های مختلف انقلاب قابل ارزیابی و تحلیل است.

در فصل دوم کتاب، موضوع مهاجرت ایرانیان به خارج از ایران طرح گردیده و به ویژه به مهاجرت آذربایجانی‌ها به روسیه<sup>۲</sup> پرداخته شده است. رشد نیافتن اقتصاد ایران در آن دوران و وجود بحران در این زمینه از دلایل عمده و اصلی مهاجرت ایرانیان بود. کار در کارگاه‌های باکو و صنایع نفتی آنجا، زمینه‌های رشد و آگاهی سیاسی کارگران ایرانی را که برای کار به آنجا رفته بودند - و تا پیش از این هیچ آگاهی طبقاتی نداشتند - فراهم آورد. تماس با سازمان‌های سیاسی مانند: «فرقه‌ی عدالت»، سازمان «همت» و «اجتماعیون عامیون» و چگونگی ارتباط این سازمان‌ها با حزب سوسیال دموکرات روسیه از دیگر مباحث مطرح شده‌ی این فصل از کتاب است.

فصل سوم کتاب به پدیده‌ی «پیدایش مجاهدان» می‌پردازد. نویسنده با بررسی پیشینه‌ی جنبش قانون‌خواهی در تهران به پیوستن تبریزی‌ها در نخستین روزهای شعبان ۱۳۲۴/مهر ۱۲۸۵ به پیکار مشروطه خواهی اشاره کرده و به وجود آمدن سازمانها، انجمن‌ها و تشکل‌هایی چون «مرکز غیبی»، «انجمن ایالتی آذربایجان» پرداخته و به نقش اجتماعیون عامیون در این دگرگونی‌ها پرداخته است. در این میان نویسنده به ایجاد نیروهای مسلح توسط آنان اشاره می‌کند که سپس به آنان «مجاهد» گفته می‌شود.

به گفته‌ی نویسنده «مجاهد» در این زمان به چند گروه گفته می‌شده و ابتدا عنوانی عام بوده که «همه‌ی مبارزان راه آزادی مشروطه» به این نام خوانده می‌شده‌اند و پس از آن اعضای فرقه‌ی اجتماعیون عامیون، و سپس در شهرهایی مانند رشت و قزوین انجمن‌هایی به نام مجاهدین خوانده می‌شده‌اند (ص ۵۶).

گسترش تشکل مجاهدین، پیوستن لوطیان به آنان و مشکلات موجود در این راه که ناشی از ویژگی‌های فردی و اجتماعی لوطیان بوده، رویداد قره‌چمن و تأثیر آن بر روند رویدادها، نقش محله‌های تبریز و مجاهدان هر کدام از آنان در پیشبرد مبارزه، اشاره به برخی زدوخوردها، دسته‌بندی‌ها در محله‌های تبریز از موضوع‌های اشاره شده در این فصل است.

در فصل چهارم نویسنده «سازمان نظامی مقاومت در تبریز» را بررسی نموده است. او زمان یازده ماهه‌ی مقاومت تبریزیان در برابر تهاجم نیروهای دولتی و سپس ورود سپاهیان روس به این شهر را به چهار دوره تقسیم کرده است. درگیری‌ها در محلات تبریز، نقش آزادیخواهان و مجاهدان به نامی چون ستارخان و باقرخان، میرهاشم خیابانی، یارمحمدخان، حاجی‌خان و محمداصداق‌خان و نیز از آن سو مستبدانی چون رحیم‌خان چلبیانلو، آمارهایی درباره‌ی تعداد واقعی مجاهدان که به نوشته‌ی منابع مختلفی که نویسنده از آن‌ها استفاده نموده دست کم از دو هزار تا بیست هزار نفر بوده‌اند (ص ۸۳)،

به باور نویسنده به علت نداشتن درک و آگاهی درست از ماهیت مبارزه‌ی اجتماعی و ضعف فکری مجاهدان و نوع رابطه‌ی آنان با روشنفکران مشروطه، در سراسر دوران انقلاب بین آنان رابطه‌ی سازنده‌ی برقرار نشد

## روایت مقاومت

پایگاه اجتماعی و خاستگاه اجتماعی مجاهدان، حضور لوطیان در صفوف مجاهدان، نقش سوسیال دموکرات‌های قفقاز در نبردهای تبریز به ویژه مبارزان گرجی که «شیوه‌های نوین رزم را به مجاهدان آموختند» (ص ۹۷)، مبارزان ارمنی، موضوع نبردهای تبریز، تشکل و سازماندهی مجاهدان و دستمزد آنان از مباحثی است که در این فصل به چشم می‌خورد. در فصل پنجم نویسنده به بررسی «بازتاب‌های اجتماعی جنگ» پرداخته و به ویژه رفتار اجتماعی مجاهدان از نکاتی است که تمرکز بیشتری بر روی آن شده است. رفتارهای متناقض و متضاد مجاهدان، خلاف‌کاری پاره‌ای از آنان در دوران صلح مانند باج‌خواهی از توانگران، خشونت و ارباب، زیاده روی در برخورد با مقصران که در کنار آن گاهی اوقات افراد بی‌گناه نیز صدمه می‌دیدند، گزارش‌های خبرنگاران خارجی در این باره از عمده مطالب طرح شده در این فصل است. به باور نویسنده نداشتن درک و آگاهی درست از ماهیت مبارزه‌ی اجتماعی (ص ۱۳۱) و ضعف فکری مجاهدان و نوع رابطه‌ی آنان با روشنفکران مشروطه که در سراسر دوران انقلاب بین آنان رابطه‌ی سازنده‌ی برقرار نشد (ص ۱۳۲) از دلایل رفتار این گونه‌ی مجاهدان

بوده است. بختیاری‌ها و اردوی آنان از نکاتی است که نویسنده به فراخور نقش آنان در نبردهای مشروطه طلبی در فصل ششم به آنان اشاره کرده است. به باور نویسنده، پشتیبانی بختیاری‌ها از مشروطه پدیده‌ی پیچیده‌ای بود (ص ۱۵۶). او ضمن اشاره‌ی کوتاهی به روند شکل‌گیری ساختار ایلی در نیمه‌ی دوم سده‌ی سیزدهم قمری، توسط حسین قلی‌خان بختیاری و تقسیم قدرت میان سه شاخه‌ی خانوادگی به شکل گذرا به شیوه‌ی زندگی و نوع اقتصاد آنان و نوع نگاه آنان به مشروطه و روند دگرگونی‌های فکری آنان در جریان انقلاب مشروطه اشاره کرده است. در ادامه‌ی این فصل نویسنده به مناسبت به شورش رشت که در گرما گرم رویدادهای اصفهان رخ داد اشاره می‌کند. به باور نویسنده با آنکه جنبش اجتماعی گیلان در مقایسه با دیگر مناطق کشور ژرف‌تر بود، اما آزادیخواهان گیلانی در ایجاد و تشکیل نیروی نظامی با ارزشی، همسنگ مجاهدان تبریز کوتاهی کرده‌اند و همین باعث آن شده تا گیلان بدون ایستادگی چندانی در اختیار خودکامگان قرار گیرد (صص ۱۶۵-۱۶۶).



اردوی شمال، کمیته ستار، پیرمخان ارمنی، علی قلی خان سردار اسعد بختیاری دخالت‌های روسیه و انگلیس و تأثیر آن بر عملکرد اجتماعی اردوی شمال از دیگر نکاتی است که نویسنده اشاره‌هایی به آن‌ها کرده است. فصل هفتم کتاب که نویسنده بر آن نام «سیاست بازان و مجاهدان» گذارده، به دوره‌ی پس از فتح تهران اشاره دارد. در این بخش موقعیت مجاهدان در این دوره که به تعبیر نویسنده «دگرگونی چندانی در ساختارهای سیاسی و اجتماعی پدید نیاورد» (ص ۱۹۰) بررسی شده است.

شکاف در صفوف مجاهدان و چند دسته شدن آن‌ها در این دوره و گرفتاری آنان در دام سیاست بازان جدید، حکومتگران قدیم و سیاست دو دولت روس و انگلیس، نداشتن درک و تصویر روشنی از مفهوم مشروطه، نبود سواد و آگاهی در میان مجاهدان بختیاری، عدم توانایی سران بختیاری در برقراری نظم و کشیده شدن پاره‌ای از افراد آنان به چپاول و غارت در تهران، نقش پیرمخان ارمنی در ایجاد نظمیه و گروه زیر دست او، گفته‌های مخالفان پیرمخان در پاره‌ای او و ... فعالیت احزاب سیاسی در این دوره، انتخابات و نگاه‌های متفاوت به پدیده مشروطه، انتصاب تربیت برای سرپرستی و اداره‌ی مجاهدان، نقش افراد در رأس احزاب و گروه‌های سیاسی در این دوره، کسانی مانند: تقی‌زاده، حیدرخان، سردار محی و ... تلاش‌های بازماندگان و هواداران محمدعلی شاه در برگرداندن او بر سر تاج و تخت از دست رفته از نکاتی است که به آن‌ها اشاره شده است. «پدیده‌ی پارک اتاپک» که یکی از رویدادهای ناخوشایند پس از فتح تهران است در فصل هشتم کتاب مورد توجه نویسنده قرار گرفته و او در این زمینه به بررسی همه جانبه‌ی موضوع پرداخته است. نویسنده با بررسی مواضع فکری و گرایش‌های سیاسی هم‌ه‌ی افراد و جریان‌های مؤثر و قدرتمند در این مرحله به ارزیابی این رویداد پرداخته. پاره‌ای از آراء که نویسنده به آن‌ها اشاره نموده در این زمینه بسیار جالب است. به عنوان نمونه او به مواضع آرشاویر چلنگریان، سوسیال دموکرات و همکار فکری حزب دموکرات اشاره کرده که معتقد بوده چون این نیرو [مجاهدان] از «لومین پرولترها» پی تشکیل شده که فقط برای پول و مال جنگ کرده‌اند و حال نیز می‌خواهند برتری خود را اعمال کنند پس باید سرکوب شوند (ص ۲۴۵). یا سردار اسعد که او نیز چون از نظر شخصی نسبت به ستارخان و محبوبیت او خسد می‌ورزید، خواهان رویارویی با او بود (ص ۲۴۶). از سویی دیگر کسانی مانند عین‌الدوله و پاره‌ای دیگر از مستبدان و دولتیان از دیگر کسانی بودند که خواهان سرکوب ستارخان و دیگر مجاهدان بودند. «رویاری با ضد انقلاب» عنوان فصل نهم کتاب است در این فصل یزدانی به دگرگونی‌های پس از درگذشت عضدالملک در مهر ۱۲۸۹ او رقابت بر سر جانشینی او میان اعتدالیون طرفدار ناصرالملک قره‌گوزلو و دموکرات‌های طرفدار مستوفی‌الممالک می‌پردازد که سرانجام ناصرالملک به نیابت سلطنت برگزیده می‌شود.

نویسنده در این بخش به روند شکل‌گیری چند دستگی‌ها در عرصه‌ی سیاسی کشور، برخورد اعتدالیون با دموکرات‌ها به وسیله‌ی پاکسازی آنان از بخش‌های مختلف مانند، اخراج حیدرخان و محمدامین رسول‌زاده از ایران، فرستادن یارمحمدخان به عتبات و دیگر اقداماتی از این دست اشاره کرده و سپس به دخالت‌های بیگانگان و اولتیماتوم دولت روس می‌پردازد و مواضع مجلس و سیاستمداران در پذیرش یا عدم پذیرش اولتیماتوم را شرح می‌دهد. فصل پایانی کتاب «مجاهدان شورشی» به رویدادهای شهر تبریز پس از

اردیبهشت ۱۲۸۸ توجه دارد و تصرف نظامی این شهر توسط روسیان و قیام این شهر علیه روسیان دژخو و نبرد جانانه‌ی مجاهدان در برابر سپاهیان روس در سال ۱۲۹۰ خ/ ۱۳۳۰ ق که نقطه عطفی است در جنایات بی‌شمار روسیان در قبال مردمی آزاده، بردبار و دشمن بیگانه و پس از آن کشتارهای خونین صمدخان این مستبد نامی و نوکر روس‌ها از مجاهدان و دیگر اهالی تبریز و بازگشت ارتجاع و حاکمیت آن بر شهر. در ادامه نویسنده در این بخش به پاره‌ای نافرمانی‌ها و شورش‌های مجاهدان و علل آن اشاره کرده است و به دنبال چرایی بروز این شورش‌ها و نقش عوامل به وجود آورنده آن برآمده است.

در مجموع نویسنده‌ی کتاب با استفاده از مآخذ و منابع دست اول و به ویژه اسناد موجود در بایگانی‌ها و آرشیوهای سازمان‌های مختلف کشور و پاره‌ای اسناد چاپ شده در خارج از ایران و روزنامه‌های وقت بر غنای اثر خود افزوده است. نویسنده از داورهای جانبدارانه و مغرضانه پرهیز نموده و آنچه را که نوشته و به آن اشاره نموده بر اساس اسناد و مدارک و با ارجاع به مآخذ و منابع آن مطلب بوده است و نویسنده فارغ از گرفتاری در چنبره‌ی احساس و عواطف و یا غرور ملی کاذب به بررسی موضوع پژوهش خود پرداخته و از بازگویی حقایق تلخ نیز هیچ بیمی به دل خویش راه نداده است.

در بخش‌هایی از کتاب که به فعالیت‌های جریان‌های طرفدار سوسیال دموکراسی مربوط می‌شود و شکل‌گیری سازمان‌هایی چون همت و اجتماعین عامیون کاستی‌ها و سهوهایی دیده می‌شود. مانند احتمال ریاست میرجعفر باقروف بر فرقه‌ی اجتماعین عامیون در باکو (ص ۴۵) که قطعاً نادرست است. چرا که میرجعفر باقروف در تاریخ گفته شده - ۱۹۰۵ - بیشتر از نه سال نداشتی است، و یا سازمان یافتن فرقه‌ی اجتماعین تبریز پس از صدور دستخط مشروطیت (ص ۴۸)، که آن نیز در پیش از صدور دستخط و در سال ۱۳۲۳ ق/ ۱۹۰۵ بوده است و چند مورد دیگر.

اگر نویسنده به پاره‌ای منابع و مآخذ و آثار پژوهشی متأخر مانند «پیدایش حزب کمونیست ایران» ابراهیموف، «حیدرخان عمووعلی» راین، «گذر از طوفان‌ها» رحیم رئیس‌نیا، «پیشینه‌های اقتصادی - اجتماعی جنبش مشروطیت و ... خسرو شاکری، و پژوهش‌های حمید احمدی در حوزه‌ی سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی چپ و تعداد آثار دیگری در این زمینه مراجعه می‌کردند، به قطع به نتایج دقیق‌تری در زمینه‌ی موضوع مورد بحث دست می‌یافتند. اما آنچه که گفته شده از ارزش اثر نمی‌کاهد و کتاب حاضر را می‌توان پژوهشی ارزنده دانست که تا این زمان نیز بدین گونه مورد توجه قرار نگرفته بود و در نوع خود پژوهش نو و تازه‌ای است پیرامون یکی از پایه‌های پیش برنده‌ی انقلاب مشروطه و بازوی نظامی آن یعنی مجاهدان.

#### پی‌نوشت:

۱. سهراب یزدانی: کسروی و تاریخ مشروطه ایران، تهران ۱۳۷۶، نشر نی و همو: صوراسرافیل نامه آزادی، تهران ۱۳۸۶، نشر نی.

۲. منظور از روسیه، منطقه قفقاز است و در وهله نخست شهر باکو و اطراف آن که از کانون‌های اصلی مهاجرنشین‌های ایرانی بود و وجود چاه‌های نفت و صنایع نفتی در آنجا از مناسب‌ترین مکان‌ها برای کار ایرانیان به شمار می‌آمد. پس از باکو، تفلیس، گنجه و چند شهر دیگر نیز از مکان‌های استقرار ایرانیان در قفقاز به شمار می‌آمد. اما باکو به عنوان مرکز صنعتی قفقاز، از نظر اهمیت به مراتب از جایگاه بالاتری نسبت به دیگر شهرها برخوردار بود.